



+۲: تهران، دهونک، خیابان سئول، پلاک ۴۰
+2: No 40, Deh-Vanak, Seoul, Tehran, Iran
www.dastan.gallery Instagram: @plus2gallery

Nashi Wind

Meghdad Lorpour

December 13, 2024 - January 10, 2025

+2 announces "Nashi Wind", a solo exhibition of works by Meghdad Lorpour. The exhibition opens on Friday, December 13, 2024, and continues through January 10, 2025. Dastan has hosted numerous shows that have included Lorpour's work, most recently at its booth at Frieze London 2024, as well as solo presentations at The Armory Show 2021, Artissima 2018, and solo exhibitions at +2 ("Daryâbâr", 2018) and Electric Room, Dastan:Outside ("Tangâb", 2017). "Nashi Wind" has been curated by Ashkan Zahraei, who has been working with Lorpour for years, and an extensive interview between the two was recently published as a book ("A Pale Surviving Sight", 009821Projects, 2022).

Meghdad Lorpour's "Nashi Wind" traces a decade-long journey through the landscapes and histories of Iran's central and southern regions, focusing on the bodies of water that have shaped their geography, culture, and mythology. Building on his earlier series, "Daryâbâr" (2018) and "Dislocate and Displace" (2021), Lorpour continues his exploration of the southern regions of Iran, an area known for its ancient human settlements and striking natural wonders. Since 2014, he has studied the role of water in these landscapes, observing how its presence—or absence—has defined both nature and human life.

Named after a coastal Hormozgan-province winter wind, in "Nashi Wind," Lorpour turns his focus to the intangible yet powerful presence of the wind, weaved into the series both as a visual theme and a subject matter. In these works, wind is not depicted directly. Still, its presence is perceived through the movement and the rhythm of his compositions as well as the overall progression of the series—in the way forms appear weathered, eroded, or reshaped by this unseen force. The series reflects on loss and absence—of places reshaped or erased by time, of landscapes ravaged by climate change, and of the delicate balance between nature and human intervention. Lorpour brings these vanishing worlds into focus, offering a quiet yet urgent meditation on what remains and what has been lost. With the meticulousness found in scientific illustrations and studies, his work solidifies water's ever-changing nature into something unyielding.

Absence is a key theme in Meghdad Lorpour's compositions and perspectives—on one hand, many of the sights he paints either no longer exist as they have been depicted in the pieces or have been entirely erased, and on the other hand, the artist controls the viewer's range of vision and field of view by limiting perspective, depth, frame, and visual cues. In his three-dimensional papier-mâché pieces, the same effect is intensified by introducing a sense of ambiguity—while appearing as eerily familiar objects, one cannot pinpoint what these are and the purpose they serve. They appear like ancient objects that have continued to live on through history, gradually reshaped and morphed by the passage of time, the introduction and propagation of culture, the greedy gaze of humanity, and gently-erosive marks of the cycle of life.

In the course of his research, the artist would engage in comparative analyses of historical data, older accounts, sketches and photographs, personal memories of the locations in the past, and present-day observations. This approach would often lean towards corroborating the substantial changes in the natural landscapes as well as the difficult truth about the fast-paced, dire effects of climate change in the region. While drought and climate warming have been and remain global issues, their severity has been felt especially intensely in Middle Eastern countries. These hard facts and the many human factors, notably mismanagement of the already-scarce resources and administrative failure as well as regional disputes, are parameters that have continuously contributed to environmental degradation, wars over water, mass immigration, and much more.

Meghdad Lorpour, who is currently based in Tehran some seven hundred kilometers north of his hometown of Shiraz in Fars Province, often supplements his desk research with travel, observation, documentation, and a contemplative approach to painting. He frequently visits the sites in Fars Province and the southern regions of Iran, including the Tangâb area, the now-dried Lake Parishan, Lake Bakhtegan, Lake Maharloo, Hamun Oasis, as well as Goor Plain, and Hengam Island, all of which were home to ancient human settlements, possessing an aura of mythological history to them. Gathering images and inspirations, he would then start work on his compositions, taking ideas from both historical accounts, i.e., the experience of others, and his observations and research. He extends his practice beyond the studio, transforming painting into an act of engagement: fieldwork, travel, and observation intermingle with memory and precise research.

باد نشی

مقداد لریور

۲۳ آذر ماه تا ۲۱ دی ماه ۱۴۰۳

در ترکیب‌بندی‌ها و بازنمایی‌های لریور از منظره و پرسپکتیو، غیاب درون‌مایه‌ای کلیدی محسوب می‌شود. از یک سو، بسیاری از مناظری که او نقاشی می‌کند دیگر یا به آن صورتی که به تصویر کشیده و یا به طور کلی، وجود ندارند و از سوی دیگر، هنرمند میدان دید بیننده را با محدودکردن چشم‌انداز، عمق، کادر و نشانه‌های تصویری کنترل می‌کند. در آثار سه‌بعدی او که از پایه‌ماشه ساخته شده‌اند، همین اثر با ایجاد حس ابهام تشدید می‌شود: آن‌ها هم‌زمان که آشنا می‌نمایند، وهم‌آلود و غریبه نیز به نظر می‌رسند، به طوری که نمی‌توان کارکرد یا هدفی روشن برای آن‌ها قائل شد. این‌ها همچون اشیائی باستانی هستند که ورای گذر تاریخ و زمان به حیات خود ادامه می‌دهند و بازمانده‌هایی بی‌زمان و مکان هستند که تأثیرات کوچک و بزرگی از فرهنگ، نیروهای انسانی و چرخه‌ی فرساینده‌ی زندگی بر شمایلشان دیده می‌شود.

مقداد لریور در پژوهش‌هایش به تجزیه و تحلیل تطبیقی داده‌های تاریخی، گزارش‌های شفاهی، طرح‌ها و عکس‌ها، سفرنامه‌ها و خاطرات و مشاهدات امروزی می‌پردازد. اغلب، نتیجه‌ی این پژوهش‌ها تأیید تغییرات بنیادی‌ای است که در زیست‌بوم و محیط طبیعی اتفاق افتاده؛ تأثیرات وسیع و غیرقابل بازگشت تغییرات اقلیمی، به ویژه در خاورمیانه. این حقایق پیچیده دست در دست عوامل انسانی همچون سوءمدیریت منابع محدود آب در کنار اختلافات منطقه‌ای، به طور مستمر در تخریب محیط زیست، مهاجرت دسته‌جمعی و موارد بسیار دیگری نقش داشته‌اند.

لریور بیشتر اوقات مطالعات خود را با پژوهش‌های میدانی تکمیل می‌کند. او در این راستا، با سفر، مشاهده، مستندسازی و رویکردی پژوهشی به نقاشی، در آثارش روشی عمقی را دنبال می‌کند. سفرهای مکرر او به قسمت‌های مختلف جنوب ایران و استان فارس از جمله منطقه‌ی تنگاب، دریاچه‌ی خشک‌شده‌ی پریشان، دریاچه‌ی بختگان، دریاچه‌ی مهارلو، هامون و همچنین دشت گور و جزیره‌ی هنگام در راستای همین رویکرد بوده است. این مناطق، میزبان سکونتگاه‌های باستانی انسان بوده و هاله‌ای از تاریخ اساطیری آن‌ها را احاطه کرده است. لریور با جمع‌آوری تصاویر و منابع الهام، کار روی آثارش را شروع کرده، در مسیرش از مستندات، مشاهدات و پژوهش‌هایش، گزارش‌های تاریخی و تجربیات دیگران استفاده می‌کند. او کارش را فراتر از محیط استودیو گسترش می‌دهد و نقاشی را به امری تعاملی تبدیل می‌کند: پژوهش‌های میدانی، سفر، و مشاهده‌ها با حافظه و یادآوری آمیخته شده، به چیزی فراتر از بازنمایی منجر می‌شود.

گالری +۲ نمایش انفرادی مقداد لریور با عنوان «باد نشی» را اعلام می‌کند. این نمایش روز جمعه ۲۳ آذر ماه ۱۴۰۳ افتتاح شده و تا ۲۱ دی ۱۴۰۳ برای بازدید برپا خواهد بود. دستان بارها میزبان آثار مقداد لریور بوده: به تازگی در فریز لندن ۲۰۲۴، غرفه‌های انفرادی در آرت‌فرهای آرموری ۲۰۲۱ (نیویورک، آمریکا) و آرت‌سیما ۲۰۱۸ (تورین، ایتالیا)، و البته دو نمایش انفرادی، «دریابار» (۱۳۹۷، گالری +۲) و «تنگاب» (۱۳۹۶)، پروژه‌های بیرون از دستان، اتاق برق). این نمایش با همکاری اشکان زهرایی به عنوان کیوریتور برگزار می‌شود که سال‌هاست با لریور همکاری داشته و کتابی از مصاحبه‌ی آن‌ها با عنوان «منظر رورفته‌ی باقی» (۱۴۰۰، پروژه‌های ۰۹۸۲۱) به چاپ رسیده است.

مجموعه‌ی «باد نشی» دنباله‌ی بیش از یک دهه ماجراجویی تصویری مقداد لریور در مناظر و تاریخ مناطق مرکزی و جنوبی ایران و تمرکز بر بسترهای آبی این ناحیه است که جغرافیا، فرهنگ و افسانه‌های آن را شکل داده‌اند. لریور با تکیه بر مجموعه‌های پیشین خود، «دریابار» (۱۳۹۷) و «جا به جا» (۱۴۰۰)، کاوش خود در مناطق جنوبی ایران را ادامه می‌دهد. این ناحیه، به خاطر تمدن‌های باستانی و شگفتی‌های طبیعی خیره‌کننده‌اش شناخته می‌شود. این هنرمند از سال ۱۳۹۳ نقش آب در این مناطق و تاریخ و اساطیر آن را مطالعه می‌کند و بر چگونگی تأثیر آب بر طبیعت و زندگی انسان تمرکز کرده است.

نام این مجموعه از روی نام محلی یک باد زمستانی برگرفته شده که در سواحل هرمزگان می‌وزد. لریور در «باد نشی» تمرکز خود را بر حضور ناملموس و در عین حال قدرتمند باد معطوف می‌کند؛ نیرویی که هم موضوع و هم مضمون تصویری این مجموعه است. هرچند در این مجموعه باد به شکل مستقیم و واضح به تصویر کشیده نشده، اما حضور آن از طریق حرکت و ضرباهنگ ترکیب‌بندی‌ها و هم‌نشینی آثار کنار هم احساس می‌شود، به گونه‌ای که فرم‌ها تحت تأثیر این نیروی نامرئی قرار گرفته، تغییر شکل یافته یا به حرکت درآمده‌اند. آثار این مجموعه، ازدست‌دادن و غیاب را بازتاب می‌کنند؛ مکان‌هایی که تحت تأثیر زمان تغییر شکل یافته یا به کلی پاک شده‌اند، مناظری که به تبع تغییرات اقلیمی ویران شده، و تعادل متزلزل و ظریف میان نیروهای طبیعی و نقش و دخالت انسان. لریور این دنیاها را روبرو تغییر را مورد توجه قرار می‌دهد و مراقبه‌ای آرام و در عین حال هوشیار در مورد آنچه باقی مانده و آنچه از دست رفته ارائه می‌دهد. او با دقتی که در مطالعات علمی دیده می‌شود، در کارش طبیعتی را نمایش می‌دهد که همواره تحت تأثیر نیروهای تسلیم‌ناپذیری چون آب و باد در حال تغییر است.